

توسعه فرهنگی در باورهای عامیانه مردم آذربایجان

دکتر حمید سفیدگرشهنقی*

sefidgar@radioresearch.ir

مقدمه

باورهای عامیانه به عنوان یکی از ژانرهای اساسی فرهنگ عامه و فولکلور ملتها، به مثابه شمشیری دو دم از یک طرف می تواند پروسه توسعه را در همه وجوه خود تسریع نماید و از طرف دیگر قادر است مانند ترمزی عمل نماید و جلوی روند توسعه را بگیرد. در این مقاله باورهای عامیانه مردم آذربایجان، در زمینه های مختلف بررسی شده و با آوردن نمونه هایی به دو گروه باورهای زاینده یا توسعه پذیر و باورهای بازدارنده یا ضد توسعه تقسیم شده اند. باورهای عامیانه ممکن است محصول ذهن جمعی مردم (ضرب المثلها یا امثال و حکم) و یا یک بیت شعر، یک حدیث و گاه یک آیه قرآن باشد که به مرور زمان مقبول ذهن جمعی توده های مردم واقع شده، به صورت یک باور و مثل درآمده است.

باورهای زاینده یا توسعه پذیر

باورهای توسعه پذیر، باورهایی هستند که اعتقاد و عمل به آنها می تواند پیمودن مسیر توسعه همه جانبه را آسانتر کند. ممکن است باوری به عقیده عده ای توسعه ای و به نظر عده ای دیگر ضد توسعه ای باشد؛ اما ما در اینجا وجه غالب باورها را در جامعه کنونی آذربایجان در نظر گرفته ایم.

از آنجا که هدف و انگیزه توسعه، بهسازی جامعه و رفاه اجتماعی و پیشرفت همگانی کشور است، در تقسیم بندی باورهای توسعه پذیر، ملاک هایی همچون اهمیت علم و دانش، عقل و دانایی محوری، اهمیت و ارزش زمان، پول و دارایی، راستی و درستکاری و اهمیت کار و تلاش در نظر گرفته شده است.

باورهای توسعه‌پذیر، باورهایی هستند که اعتقاد و عمل به آنها می‌تواند پیمودن مسیر توسعه همه‌جانبه را آسانتر کند

باورهایی که بر اهمیت علم و دانش تأکید دارند:

čirāğidi elm aġlin

• علم عقلین چیراغیدی

(علم چراغ عقل است)

elm qārā dāšlāri dalar

• علم قارا داشلاری دالر

(علم سنگهای سیاه را سوراخ می‌کند)

• علمی چوخ اولان عالیم اولار، زورو چوخ اولان ظالیم اولار

elmi čox olān ālim olar, zoru čox olān zālim olār

(آنکه علمش بیشتر باشد عالم و آنکه زورش زیاد باشد ظالم می‌شود)

• علم بیر خزینه‌دی، نقدر خرجه‌سن او قدر آرتار

elm bir xazinadi, naqadar xarjlasan o qadar ārtār

(علم خزانه‌ای است که هر قدر از آن خرج کنی همان قدر زیادتر می‌شود)

elmsiz ādām meyvasiz āġaj kimidir

• علمسبز آدم مئوه‌سبز آġاج کیمی دیر

(آدم بی‌دانش، مانند درخت بی‌میوه است)

bilsaydim dardim iki olmāzdi

• بیلسه‌یدیم دردیم ایکی اولمازدی

(اگر می‌دانستم، دردم دو تا نمی‌شد)

bilana bir suz kifāyatdi

• بیلنه بیر سؤز کفایتدی

(برای آدم دانا یک حرف بس است) معادل ضرب‌المثل فارسی: در خانه اگر کس است، یک حرف بس است.

باورهایی که بر عقل و دانایی محوری تأکید دارند:

āġil yašdā de yil, bāšdādir

• عاġیل یاšدا دی‌ییل باشدادیر

(بزرگی به عقل است نه به سال)

• عاġیللی آدم داغ شلاله‌سینه بنزر، اؤزو - اؤزونه یول تاپار

āgilli ādām dāğ šalālasina banzar, ozo-zona yol tāpār

(آدم عاقل به آبشار کوه می ماند، خودش راه خود را پیدا می کند)

āgilli bāš balāsiz olār

• عاگیللی باش بلاسیز اولار

(سری که عقل دارد بی بلا می ماند)

• عاگیللی دوشماندان قورخما، دلی دوستدان قورخ

āgilli došmāndān qorxmā, dali dostdān qorx

(از دشمن عاقل نهراس، از دوست نادان بترس)

āxmāq qārqnin yumurtāsi lāqq olār

• آخماق قارقانین یومورتاسی لاق اولار

(تخم کلاغ نادان لقی می شود)

• آخماق اوزونه دوشماندی، اوزگه سینه نجه دوست اولار!؟

āxmāq üzona došmāndi, üzgasina neja dost olār

(احمق دشمن خویش است چگونه می تواند دوست دیگری باشد!؟)

jāhil ila bāl yema, āgīl ila dāš dāši

• جاهیل ایله بال یئمه، عاگیل ایله داش داشی

(با جاهل عسل نخور ولی با عاقل سنگها را جا به جا کن)

• عاگیل اولماسا باشدا، نه قورودا بیتر نده باشدا

āgīl olmāsā bāšdā, na qurudā bitar nada yašdā

(عقل که در سر نباشد، نه در خشکی سبز می شود نه در رطوبت)

āgīlsiz bāšin zahmatin āyaq çakar

• عاگیلسیز باشین زحمتین آیاق چکر

(زحمت سر بی عقل را پا می کشد)

āxmāq bāši balāli olār

• آخماق باشی بلالی اولار

(آدم احمق همیشه گرفتار بلاست)

daliya qoşulmā sanida dali eylar

• دلی یه قوشولما، سنی ده دلی ائیلر

(با دیوانه همراه مشو، ترا هم دیوانه می کند)

āgīl olmāsā jān azābdādi

• عاگیل اولماسا جان عذابدادی

(عقل که نباشد جان در عذاب است)

• نادان الیندن سو ایچمه، آب حیات اولسادا

nādān alından su içma, ābi hayāt olsādā

(از دست نادان آب مخور حتی اگر آب حیات باشد)

jāhilda soz aylanmaz gonbazda qoz

• جاهیلده سؤز اگلنمز گونبزه قوز

(معادل: تربیت نااهل را چون گردکان بر گنبد است)

āgil kişinin sarmāyasidir

• عاگیل کیشی نین سرمایه سیدیر

(عقل سرمایه مرد است)

• عاگیللی لار اکیب بیچیپ، دلی ایندی جوت قوشور

āgillilār akib biçib, dali indi jwt qoşur

(عاقلها کاشتند و درو کردند، دیوانه هنوز گاوآهن آماده می کند)

āğlli bāş har seydan fāydā çixārdār

• عاگیللی باش هر شئیدن فایدا چیخاردار

(آدم عاقل از هر چیزی سود می برد)

باورهایی که بر اهمیت و ارزش زمان تأکید دارند:

• قاباغا دوشدون یاخشی، دالدا قالدین وای حالیا

qābāğā doşdon yāxşi, dāldā qāldin vāy hālivā

(اگر جلو افتادی خوب است، اگر عقب ماندی وای به حالت)

qālā işa qār yāğār

• قالان ایشه قار یاغار

(کاری که بر زمین بماند برف رویش می نشیند)

• جالاسان گونو گونه، کئچن گونه ال چاتماز

jālāsān gono gona, kečan gwna al čātmāz

(اگر روزها را روی هم بریزی گذشته را باز نخواهی یافت)

vāxtindā akmayan saqqalin yolār

• واختیندا اکمیهن سققلین یولار

(آنکه به موقع بذر نکارد، ریشش را می کند)

باورهایی که پول و دارایی را خوب می دانند:

• آق آقچا قره گون اوچوندور

āq āqçā qara gon oçondor

(پول سفید برای روز سیاه است)

pārā ādāmā āḡil üyradar

• پارا انسانا عاغيل اؤيره در

(زر آدمی را عقل آموزد یا پول آدم را صاحب عقل می کند)

pul pulu qāzānār, abla gedar bel tapar

• پول پولو قازانار، ابله گئدر بئل ته پر

(پول پول می آورد، ابله می رود بیل می زند)

• پولون اولدو اللی، آدین اولدو بللی؛ پولون اولدو یوز، دوش ایچینده اوز؛ پولون اولدو مین، کهر آتی مین

pulun oldu allı, ādin oldu ballı pulun oldu ywz, dwš içında owz pulun oldu min, kahar āti min

(پولت که رسید به پنجاه اسم و رسم پیدا کردی، اگر به صد رسید تویش غلت بز و شنا کن، اگر به هزار رسید، اسب کهر

را سوار شو)

pulun vār giriš, yoxundur soroš

• پولون وار گیریش، یوخوندور سوروش

(پول اگر داری بچسب اگر نداری بگذار و بگذر)

• در این دنیای درویشی، قره پول گۆرر هر ایشی

dar in donyāyi darviši, qara pul gorar har işi

(در این دنیای درویشی، پول سیاه همه کار می کند)

tüba toxluqdān çixār, davā yoxluqdān

• توبه توخلوقدان چیخار، دعوا یوخلوقدان

(بی نیازی باعث توبه است و فقر سبب دعوا)

guzalliyin vārdān olu, olmāsā hārdān olu

• گۆزلیگین واردان اولو، اولماسا هاردان اولو

(زیبایی ات از دارایی است اگر نداشته باشی زیبایی ات کجاست؟)

vār evi karam evi, yox evi varam evi

• وار ائوی کرم ائوی، یوخ ائوی ورم ائوی

(خانه دارا خانه کرم است و خانه ندار، جای درد و ورم)

vārdān ziyān galmaz

• واردان زیان گلمز

(از دارایی زیان نمی رسد)

vārin veran utānmāz, yoxdān veran dalidi

• وارین وئرن اوتانماز، یوخدان وئرن دلیدی

(آنکه دارد و می بخشد شرمنده نمی شود ولی آنکه ندارد و می بخشد دیوانه است)

veran al ālān alin ostwndadir

• وئرن ال آلان الین اوستونده دیر

(دست دهنده بالای دست گیرنده است)

pulsuz bāzārā gedan, imānsiz gorā gedar

• پولسوز بازارا گئدن، ایمانسیز گورا گئدر

(هر که بی پول به بازار رود مثل آنست که بی ایمان به قبر رود)

pul veran totak čālār

• پول وئرن توتک چالا بیلر

(آنکه پول داده می تواند سوتک بنوازد)

• پولون وار دونیا عالم قولون سنین، پولون یوخدو تیمارخانا پولون سنین

pulun vār donyā ālam qulun sanin, pulun yoxdu timārxānā yolun sanin

(اگر پول داشته باشی همه دنیا غلامت می شود، اگر نداشته باشی باید به نوانخانه بروی)

qara pulu qara gona saxlārlār

• قره پولو قره گونه ساخلارلار

(پول سیاه را برای روز سیاه نگه می دارند)

باورهایی که بر راستی و درستکاری تأکید دارند:

doqru bodrar āmmā yixilmāz

• دوغرو بودره ر آما بیخیلماز

(راستی سکندری می خورد اما نمی افتد)

doqru yālāni qovār

• دوغرو یالانی قووار

(راستی دروغ را فراری می دهد)

doz yoldā gedan yixilmāz

• دوز یولدا گندن بیخیلماز

(آنکه در راه راست حرکت می کند، نمی افتد)

yālān āyāq tutār, yerimaz

• یالان آیاق توتار، یثرمز

(دروغ پا می گیرد اما نمی تواند حرکت بکند)

yālānin omri āz olār

• یالانین عمری آز اولار

(عمر دروغ کم است)

doz ayrini kasar

• دوز اگرینی کسر

(راست کج را می بُرد)

doğru ayrini doqrār

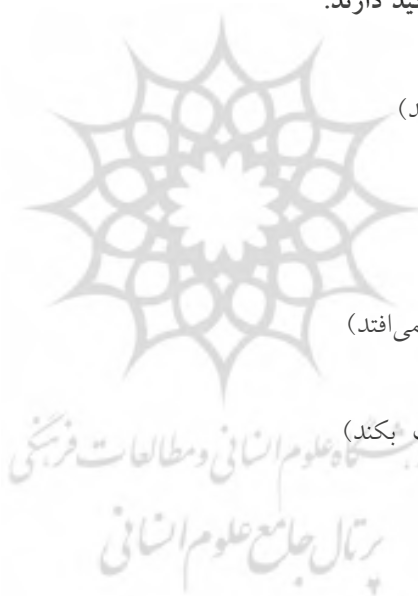
• دوغرو اگرینی دوغرار

(راست کج را خرد می کند)

ayri otur doz dāniš

• اگری اوتور دوز دانیش

(کج بشین راست بگو)



yālānčinin evi yāndi heč kim inānmādi

• یالانچی نین انوی یاندی هئچ کیم اینامادی
(خانه دروغگو آتش گرفت هیچکس باور نکرد)

āğāji ojaqā qoymāzlār doz

• دوز آغاجی اوجاغا قویمازلار

(چوب راست را در اجاق نمی سوزانند)

doğru ol har yer evin olsun

• دوغرو اول هر یئر ائوین اولسون

(درستکار باش تا همه جا خانهات باشد)

doğruyā zāvāl yoxdu čakasan har divānā

• دوغرویا زاولا یوخدو چکه سن هر دیوانا

(آدم درستکار را به هر دادگاهی بکشانی محکوم نمی شود)

باورهایی که بر اهمیت کار و تلاش تأکید دارند:

iš ādāmin joharidi

• ایش آدامین جوهریدی

(کار جوهر آدمی است)

iš bājārānin, āš yiyanindir

• ایش باجارانین، آش ییه نیندیر

(کار مال کاردان، آش مال خورنده آن است)

iša xor bāxmā, boynuvā torbā tāxār

• ایشه خور باخما، بوینووا توربا تاخار

(به کار با چشم حقارت منگر، توپره بر گردنت می اندازد)

išlayan āčār pāriıldār

• ایشله یین آچار پاریلدار

(آچاری که کار می کند برق می زند)

išlayan dišlar, išlamayan kišnar

• ایشله یین دیشلر، ایشله مه یین کیشنر

(آنکه کار می کند، می خورد و آنکه کار نمی کند شیهه می کشد)

išla nokar kimi, ye āğā kimi

• ایشله نوکر کیمی، یئه آغا کیمی

(مانند نوکر کار بکن، مثل ارباب بخور)

išlayan inji tāxār, išlamayan yāndān bāxār

• ایشله یین اینجی تاخار، ایشله مه یین یاندان باخار

(آنکه کار می کند جواهر به خود می بندد و آنکه کار نمی کند از گوشه ای نگاه می کند)

išsizlik ārsiliq gatirar

• ایش سیزلیک عارسیلیق گتیرر

	(بیکاری بیعاری می آورد)
badbaxtligi qāpiyā gatiran tanballikdir	• بدبختلیگی قاپییا گتیرن تنبلیکیدیر (آنچه بدبختی را به در خانه می آورد تنبلی است)
harakat hārdā barakat ordā	• حرکت هاردا برکت اوردا (هرجا حرکت باشد برکت آنجاست)
āxtārān tāpār	• آختاران تاپار (جوینده یابنده است)
gazan qurd āj yātmāz	• گزن قورد آج یاتماز (گرگی که می گردد گرسنه نمی خوابد)
ādām istasa dāği dāğ osta qoyār	• آدام ایسته سه داغی داغ اوسته قویار (انسان اگر بخواهد کوه را روی کوه می گذارد) • ده لردن بودور اوگوت، دگیرمانی اوژون اوگوت
dadalardan budur ogot, dayirmāni ozon ogot	(از نیاکانمان چنین پند است، آسیا را خودت بچرخان)
zahmatsiz bāl yeyilmaz	• زحمت سیز بال یئیلیمز (بی رنج عسل نمی توان خورد)
iš bilan mošgola došmaz	• ایش بیلن موشگوله دوشمز (آدم کاردان به مشکل نمی افتد)
iš iši gostarar	• ایش ایشی گوسترر (کار کار را می آورد)



باورهای بازدارنده یا ضد توسعه

باورهای بازدارنده و ضد توسعه‌ای نیز به موارد مختلفی قابل تقسیم هستند. در بررسی تطبیقی باورهای عامیانه مردم آذربایجان با باورهای مردم دیگر مناطق ایران این نکته جلب توجه می‌کند که باورهایی که به بیهودگی کار و کوشش بپردازد به ندرت در بین آنها دیده می‌شود. اساساً باورهای ضد توسعه‌ای در میان مردم آذربایجان به مراتب کمتر از مناطق دیگر کشور است و این امر مسئولیت مسئولان فرهنگی و اقتصادی این منطقه را بیشتر می‌کند؛ چرا که با داشتن چنین مردمی عدم توسعه متوازن و متناسب با فرهنگ و تمدن این منطقه،

عذری بدتر از گناه تلقی می‌شود. با اینهمه در بین مردم آذربایجان نیز باورهای ضدتوسعه‌ای - هرچند به تعداد اندک - یافت می‌شود که در آنها درویشی و ژولیدگی، بی‌اعتنایی به دنیا، فرصت‌طلبی، تقدیرگرایی و اعتقاد عمیق به شانس و اقبال، جاهل، مکار و ناقص‌العقل دانستن زنان و ازدیاد فرزندان امری ستوده و شایسته قلمداد شده است.

باورهایی که به درویشی و بی‌اعتنایی به دنیا توصیه می‌کنند:

pulu āz olānin, qussasida āz olār

• پولو آز اولانین، غصه‌سیده آز اولار

(هر که پولش کم باشد، درد و غصه‌اش هم کمتر است)

• چوخدا گونمه تختیوه، شاهدان گدالیق یاخشیدی

čoxdā govanma taxtiva, šāhdān gadāliq yāxšidi

(زیاد به تخت مناز که گدایی از پادشاهی بهتر است)

donyāyā dāyānmā, vārinā inānmā

• دونیایا دایانما، وارینا اینانما

(به دنیا تکیه نکن، به دارایی‌اش مناز)

donyā beš gondo bešida qara

• دونیا بئش گوندو بئشی ده قره

(دنیا پنج روز است، پنج روزش هم سیاه)

bu donyā fānidi fāni

• بو دونیا فانی‌دی فانی

(این دنیا فانی است فانی)



باورهایی که به تقدیرگرایی و شانس و اقبال می‌پردازند:

• قسمت اولسا گلر یمندن، قسمت اولماز دوشر دهندن

qismat olsā galar yamandan, qismat olmāz došar dahandan

(اگر قسمت باشد از یمن هم می‌آید، اگر قسمت نباشد از دهن هم می‌افتد)

qismatdan ārtiq yemak olmāz

• قسمتدن آرتیق یئمک اولماز

(بیش از روزی نمی‌توان خورد. یا، ندهندت زیاده از روزی)

• هر کسه دوست دئدیم دوشمن جان اولدو منه،

دوشمن اؤز بختیمیدی ایندی عیان اولدو منه

har kasa dust dedim došmani jān oldu mana

došman oz baxtimidi indi ayān oldu mana

(هر کسی را دوست خواندم دشمن جانم شد،

دشمنم بخت خودم بود اکنون برایم روشن شد)

baxtin yātdi sanda yāt

• بختین یاتدی سنده یات

(بختت چو خوابید تو هم بخواب)

san sāydiğini sây, gor falak na sâyir

• سن سایدیغینی سای، گور فلک نه ساییر

(تو هر چه می‌شماری بشمار، اما ببین فلک چه می‌شمارد)

falak yixāni qāldirmāq olmāz

• فلک ییخانی قالدیرماق اولماز

(آنکه را فلک بر زمین زند نتوان بلند کرد)

falak gojlo, man gojsoz

• فلک گوجلو، من گوجسوز

(فلک پر زور و من ضعیف)

قلبین اولسون قان فلک

• اودلان فلک، یان فلک

کیمیینه درمان فلک

• کیمیینه درد وئریبسن

odlān falak, yān falak
kimina dard veribsan

qalbin olsun qān falak
kimina darmān falak

(آتش بگیر و بسوز ای فلک / دلت پر از خون گردد / به یکی درد داده‌ای و به دیگری درمان)

باورهایی که زنان را مکار و جاهل می‌پندارند:

išin doşdo ārvādā, olan gonono sāl yādā

• ایشین دوşدو آروادا، اولن گونونو سال یادا

(کارت که به زن افتاد، روز مرگت را یاد کن)

ātinān ārvādā etibār yoxdur

• آتینان آروادا اعتبار یوخدور

(به اسب و زن اعتباری نیست)

ārvād sozona bāxān, ārvāddāndā askigdir

• آرواد سوزونه باخان، آروادان دا اسگیک‌دیر

(آنکه به حرف زن گوش می‌کند از زن هم کمتر است)

ārvād yixān evdan āllāhindā xabari yoxdur

• آرواد ییخان ائودن آلاهی‌ن دا خبری یوخدور

(از خانه‌ای که زن خراب کند، خدا نیز خبر نمی‌گیرد)

ārvād kaj qābirqādir

• آرواد کج قابیرقادیر

(زن از پهلوی چپ شد آفریده)

ārvād āl jānini ālsin

• آرواد آل جانینی آلسین

(زن بگیر تا جانت را بگیرد)

• آرواد نه بیلیر داغدا بوراندی، ائوده اوتوروب حکمی رواندی

ārvād na bilir dāqdā borāndi, evda oturub hokmi ravāndi

(زن چه می‌داند که در کوه بوران است، در خانه نشسته و دستور می‌دهد)

qizın doymayan dizin doyar

• قیزین دؤیمه‌مین دیزین دؤیر

(آنکه دخترش را نزد عاقبت بر سر خود می‌زند)

• ار آغاجی، گول آغاجی؛ وار تقصیریم، وور آغاجی

ar āğāji, gol āğāji vār taqsirim, vur āğāji

(چوبی که شوهر بزند گل است، مقصر منم چویم بز)

arsiz ārvād jilovsuz āt

• ارسیز آرواد جیلووسوز آت

(زن بی‌شوهر، اسب بی‌افسار)

ārvādin āxir hilasi āğlāmāqdir

• آروادین آخیر حیلہ‌سی آغلاماقدیر

(آخرین حیلہ زن گریه است)

باورهایی که داشتن فرزندان زیاد را رواج می‌دهند:

āçilān āğiz ruzusuz qālmāz

• آچیلان آغیز روزوسوز قالماز

(دهان باز بی‌روزی نمی‌ماند)

akdim sāldim bāyirā, āllāh işin qāyirā

• اکدیم سالدیم باییرا، آله ایشین قاییرا

(پس انداختم و بیرون فرستادم، خدا خودش کارساز او باشد)

• آغیرلیغین یئر گؤتورور، روزوسون آله وئریر

āğirliğin yer gutoror, ruzusun āllāh verir

(سنگینی‌اش را زمین می‌کشد و روزی‌اش را خدا می‌دهد)

evin yārāšiği uşāqdir

- ائوین یاراشیغی اوشاقدیر
(بچه زینت خانه است)

باورهایی که فرصت طلبی و مفتخوری را رواج می دهند :

- ایشی دوشنده آرار منی، ایشیم دوشنده قووار منی

işi doşanda ārār mani, išim doşanda qovār mani

(کارش به من بیفتد، دنبالم می گردد، کارم که به او بیفتد مرا از خودش می راند)

āyidān bir tokda ğanimatdir

- آبی دان بیر توکده غنیمتدیر

(از خرس یک مو کردن غنیمت است)

taziyā deyir tut, dovşānā deyir qāç

- تازی یا دئییر توت، دووشانا دئییر قاچ

(به تازی می گوید بگیر به خرگوش می گوید در رو)

āt goranda āxsār, su goranda susuyār

- آت گورنده آخسار، سو گورنده سوسویار

(اسب که ببیند می لنگد، آب که ببیند تشنه اش می شود)

- آباد اولار بولبولویم، خراب اولار بایقوشو

ābād olār bolboloyam, xārāb olār bāyquşu

(آباد شد بلبلس می شوم، خراب شد جغدش)

āyiyā dāyi de, išindan otro

- آبی یا دایی دنه، ایشیندن اوترو

(به خرس بگو دایی تا کارت راه بیفتد)

čāyi gečanajān ermaniya dāyijān de

- چایی گئچنه جن ائرمنیه دایی جان دنه

(مادامیکه از رودخانه گذشته ای به ارمنی دایی جان بگو)

desan qulunām diyar gal āpārim sātım

- دئسن قولونام دئییر گل آپاریم ساتیم

(اگر بگویی غلامتم، می گوید بیا ببرم بفروشم)

- عثمانلی وقتی کوله دی، قیزیل باش وقتی شاطر

usmānli vaqti koladi, qizilbāş vaqti şātır

(دوره قدرت عثمانی که باشد غلام آنهاست، قزلباش که بیاید شاطرشان)

galanla qārdāşdi, gedanla yoldāş

- گلنله قارداشدی، گندنله یولداش

(با آنکه می‌آید برادر می‌شود و با آنکه می‌رود رفیق)

mofta sirka bāldān širin olār

• مفتت سرکه بالدان شیرین اولار

(سرکه مفت شیرین‌تر از عسل است)

hārā gon olsā, qurutun orā sarar

• هارا گون اولسا، قوروتون اورا سره

(هر جا آفتاب باشد کشکش را آنجا پهن می‌کند)

donbak gorar oynār, minbar gorar āglār

• دنبک گورر اوینار، منبر گورر آغلار

(تنبک ببند می‌رقصد، منبر ببند می‌گرید)

نتیجه

شناخت باورها و آداب و سنن جامعه‌ای در حال گذار، بدون شک می‌تواند ما را در رسیدن به توسعه فرهنگی کمک کند، چرا که اگر فرهنگ عامه در مقابل توسعه از خود مقاومت نشان دهد، هیچ توسعه‌ای تحقق پیدا نخواهد کرد، ولی هرگاه فرهنگ مردم با عناصر توسعه‌ای همسو گردد به تدریج آن عده از باورها و سنت‌ها را نیز که در مقابل فرایند توسعه ایستادگی می‌کنند طرد و از بین خواهد برد. به نظر می‌رسد سیاستگذاری‌ها و برنامه‌ریزی‌های مردان سیاست و اقتصاد و فرهنگ در آذربایجان نیز مانند دیگر مناطق ایران، در بسیاری از موارد بدون شناخت زمینه فرهنگی جامعه صورت می‌گیرد. به عقیده نگارنده، در کنار همه برنامه‌ریزی‌ها و سیاستگذاری‌های خرد و کلان در سطوح مختلف شهری، استانی، منطقه‌ای و کشوری باید ذهنیت فرهنگی عموم مردم، به ویژه باورهای عامیانه آنها شناسایی و مورد تجزیه و تحلیل قرار گیرد. به این منظور حضور پژوهشگران و کارشناسان فرهنگ عامه، مردم‌شناسان و انسان‌شناسان در کنار کارشناسان و زبندگان رشته‌های فنی و اقتصادی امری اجتناب‌ناپذیر است؛ چرا که محور همه برنامه‌ریزی‌ها، مردم و باورهای آنان هستند.

منابع:

- مجتهدی، علی اصغر، ترکی دیلینده مثل گر، به کوشش سیروس قمری، تبریز: بنیاد کتابخانه فردوسی، (بی تا)
- وفایی، زهره، ضرب‌المثل گر، تبریز: انتشارات طاهرزاده، ۱۳۷۴.
- حسین زاده، ابوالقاسم، آتالار سوزو، کؤچورن جاوید کبیرقاسمی، تبریز، ۱۳۸۱.

